



رضا جمیلی / روزنامه نگار

اوهربار ردپای فرهنگ روزمره ایرانی را در آثار هنرمندان تجسمی دنبال می کند

نقش فرهنگ بر بوم



در باب اهمیت هنر عمومی

هنر عمومی به زبان ساده هنری است برای اکثریت. هنری که به شیوه ای صحبت می کند که برای بیشتر مردم قابل فهم، قابل شناخت و قابل درک است. هنر عمومی دو هدف کلی دارد: یکی آگاهی بخش است چه از منظر ارتقای سطح سلیقه مردم چه آگاهی دادن درباره یک موضوع خاص. یک نمونه اش می شود طراحی پوستر که مثلاً درباره یک موضوع هشدار می دهد یا درباره یک مسأله کلان فلسفی را هوشیار می کند.

دوم اینکه باید از نظر زیبایی شناسانه، هنری دلپذیر و خوشایند باشد و به دل بنشیند. هنرهای عمومی باید مکان مند باشند و شیوه جانمایی آن ها اهمیت زیادی دارد. یعنی باید جاهایی قرار بگیرند که امکان مکث برای مخاطب وجود داشته باشد. اثر عمومی موفق اثری است که در نهایت تبدیل به یک نشانه شهری می شود. برای نمونه میدان فردوسی را با مجسمه فردوسی به یاد می آوریم نه مترو فردوسی.

برخلاف هنر سنتی که در گالری ها و موزه ها جا دارد هنر عمومی رشد ارگانیک دارد و جای خودش را در شهر پیدا می کند. از پرفورمنس و تئاتر و موسیقی خیابانی گرفته تا مجسمه و نقاشی دیواری بخشی از هنر عمومی هستند. یعنی این هنرها می گردند و مکان مناسب خود را در شهر پیدا می کنند. البته مجسمه و نقاشی دیواری سفارش داده می شوند و باید متولیان شهری مانند سازمان زیباسازی شهرداری آن ها را جانمایی کنند.

در سال های اخیر اتفاق مثبتی در این حوزه نیفتاده و معمولاً هنر عمومی شکلی تیپیکال به خود گرفته و خلاقیت و زیبایی شناسی در آن ها کمتر دیده نمی شود. یعنی بیشتر از اینکه نقاشی باشند پوسترهای بزرگ هستند که با ابعاد هیولوار می خواهند خود را به مخاطب تحمیل کنند. از طرفی تهران با تراکم فروشی زیاد، کمتر جایی برای فضاهای انسانی و هنری باقی گذاشته و رابطه انسان و هنر در این شهر مخدوش شده است.

نقاشی و مسیر رسیدن به رضایت درونی

یکی از دلایلی که نقاشی می کشم این است که می خواهم از اخبار بدی که در مورد جامعه مدام ما را بمباران می کنند فرار کنم. نقاشی برای من یک مفر است. فضایی خیالی که در آن خوشحالم. فضایی که در آن نه تحریم است و نه جنگ. جایی شبیه قصه های قدیمی که در آن همه خوشحال و عاقبت بخیر هستند. نقاشی برای من فرصتی است که ارتباط خود را آگاهانه با فضای دوروبر خود قطع کنم.

معتقدم وظیفه ما در این روزها این است که هم داشته هایمان را حفظ کنیم و هم نگذاریم این داشته ها تخریب و نابود شوند. در این دنیای پرمخاطره اول باید خود را بشناسیم. من با نقاشی تلاش دارم به این خودشناسی برسم. شناختی که یک پروسه طولانی و شخصی است اما وقتی اثر شما در دید عموم قرار می گیرد ممکن است این شناخت و این حس برای آن ها هم ایجاد شود. درست است که من به دنبال رضایت درونی خود هستم اما مخاطب اثر هم اگر با اثر ارتباط بگیرد به چنین رضایتی خواهد رسید. فکر می کنم اگر هنرمند به ناخود آگاه و صداقت خود تکیه کند حتماً به چنین موفقیتی خواهد رسید.



روایت الهام نفیسی فر، از علاقه مندی به هنر عمومی تا کلیله و دمنه و شعر کلاسیک

قصه های کهن فارسی بر بوم نقاشی



هم نشینی کودکی با ادبیات کلاسیک ایرانی

من تا ۹ سالگی تنها فرزند خانواده بودم و این باعث می شد که با نقاشی خودم را سرگرم کنم یا گیاه بکارم و حیوان خانگی داشته باشم. المان هایی که بعدها حضورشان در کارهای من ادامه پیدا کرد. از طرفی پدرمادرم برای من زیاد کتاب ها و قصه هایی مثل داستان شیروخروش، کلیله و دمنه را می خواندند و کودکی من با این قصه ها عجین شده بود. علاقه مندی شخصی من به ادبیات کلاسیک ایرانی هم تأثیر زیادی در کارهای من داشته است. بخصوص علاقه به شعر و داستان ها و قصه های کلاسیک. این جهانی است که من دوست دارم. جهانی برگرفته از ادبیات ایرانی که ادبیاتی بسیار شیرین است و در آن همه عاقبت بخیر می شوند! ادبیاتی که پندآموز و اخلاق گراست. این عناصری است که همیشه با من همراه بوده و به نقاشی هایم راه پیدا کرده اند. در دوره دانشگاه مقداری از این فضا دور شدم. چون آن زمان در دانشگاه بیشتر از آبستره و نقاشی های غربی صحبت می شد اما باز به این فضا بازگشتم. در سفری به تورین ایتالیا و با دیدن موزه هنر شرق با طومارهای ژاپنی آشنا و بسیار از دیدن آن ها شوکه شدم و به وجد آمدم. همین وجد باعث شد تا تصمیم بگیرم صرفاً روی چیزهایی که دوست دارم کار کنم و محدودیت های آکادمیک را کنار بگذارم. بعد از آن همین داستان های کودکی، داستان های کلاسیک و مینیاتورهای ایرانی و هندسه هنر ایرانی که خیلی هم پیچیده و سخت است، اولویت کارهای من شد.

در سفری به تورین ایتالیا و با دیدن موزه هنر شرق با طومارهای ژاپنی آشنا و بسیار از دیدن آن ها شوکه شدم و به وجد آمدم. همین وجد باعث شد تا تصمیم بگیرم صرفاً روی چیزهایی که دوست دارم کار کنم و محدودیت های آکادمیک را کنار بگذارم. بعد از آن همین داستان های کودکی، داستان های کلاسیک و مینیاتورهای ایرانی و هندسه هنر ایرانی که خیلی هم پیچیده و سخت است، اولویت کارهای من شد.